قدس چهارشنبه
پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۹۹
۳ ذی‌القعده ۱۴۴۱
۲۵ ژوئن ۲۰۲۰
سال سی و سوم | شماره ۹۲۷۷
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

بررسی جنبه‌های اجتماعی امر «زیارت»
درگفت‌وگو با دکتر سیدعلی نقی ایازی، عضو هیئت علمی پژوهشکده اسلام تمدنی

زیارت؛ تعامل دو سویه «معرفت» و «مناسک»

۱۰

بررسی دلایل فقر آثار سینمایی در حوزه رضوی درگفت‌وگو با کامبوزیا پرتوی، فیلم‌نامه‌نویس

حرم، دریایی از قصه‌های نگفته است

۱۲

دارالشفا

پاپوش‌ها خوشبخت نیستند

رقیه توسلی: کفش‌ها حالشـــان خوب نیســـت. غمباد دارنـــد. توی دلشان غوغاســـت. یک جفت کفش سراغ دارید که مدت‌ها بگذرد از طی طریقش به خراسان و خودش را دوست داشته باشد؟ پاپوش بودنش را؟ زنده بودنش را؟
این روزها به خادمان کفشـــداری حرم، زیاد فکر می‌کنم... به شماره‌هایی که نمی‌دهنـــد... به پیرمردی که نمی‌آید گیوه‌هایش را بدهد امانت و بگوید خیر ببینید عزیزانِ علی بن موسی الرضا... به خانواده‌ای که خندان و شرمنده از غیب شدن شماره‌شان نمی‌گویند... به مادری که کتانی‌های دخترک دوساله‌اش را نمی‌گذارد روی پیشخوان... به مادربزرگی که قصه کفش‌های نیمدارش را رو نمی‌کند که پنج بار با آن‌ها مشرف شده زیارت امام هشتم... به نابینایی که برای عرض خداقوت، از مولانا برایشان نمی‌خواند؛ نور تویی ســـور تویی دولت منصور تـــویی. زل زده‌ام به کفش‌های توی جاکفشی. با اینکه تمیز و شُسته و فِرچه خورده‌اند اما بیحال‌اند. نه یکی‌شان، که همه‌شان. مردانه و زنانه و پیر و جوان هم ندارند. افتاده‌اند به زار و نزاری.
می‌دانم کفش‌ها که به میهمانی دعوت نشـــوند دلشـــان می‌گیرد. غصه‌شان می‌شـــود. می‌دانم این روزها کفش‌ها، خوشبخت نیستند و کفشداران توس مغموم‌اند که کشیک ندارند.
یاد «خانجان» می‌افتم که همیشـــه می‌گفت: امان از دلتنگی و دورافتادگی! کاش به‌وقت جدایی سر بگذاریم روی مُهری که نام مبارک آقا حک شده آنجا و اشک‌ها را رها کنیم. صد بار آزمایش کردم. مرحمت و رأفتشان در دَم می‌رسد و نور زیارت سرازیر می‌شود.

معارف

۱۰ ۱۱

معرفی کتاب رضوی

سیره سیاسی امام رضا علیه‌السلام و تحلیل مسئله ولایتعهدی

روایت مریم صیاد شیرازی از رفتار پدر با دختر

تمام تلاش پدر، توانمند کردن من در زندگی واقعی بود

فرهنگ و هنر

۱۲

نگاهی به آثار سینمایی
با محوریت امام رضا علیه‌السلام و زیارت (۲)

معجزه‌ای «به آهستگی» در «هر شب تنهایی»

یادداشت‌های چرخدار

annotation@qudsonline.ir
عباسعلی سپاهی یونسی

رکابزنی حرم تا حرم (قسمت اول)

در مسیر خانه خورشید

عباسعلی سپاهی یونسی: این چند ســـال اخیر که دوستی‌ام با دوچرخه بیشتر شده، یکی از آرزوهایم این بوده بتوانم دست‌کم ۱۰روزی را با دوچرخه به سفر بروم. این اتفاق نیفتاد تا روزی که کانون بسیج رسانه در روزنامه قدس، میزبان ابوالفضل نصیر و ابراهیم وحیدی شد که به نمایندگی از سپاه استان خراســـان آمده بودند از چند و چون نهمین برنامـــه «رکابزنی حرم تا حرم» بگویند.
نشان به آن نشان که چند روز بعد من، وحید بیات؛ عکاس روزنامه و محمد تهرانی؛ دیگر همکارم، در قم هستیم و همراه با اعضای گروه دوچرخه‌سواری ارادتمندان امـــام رضا(ع) -خادمان یگان حفاظت حـــرم مطهر رضوی - به خاکبوسی حرم مطهر خواهر امام مهربانی‌ها، حضرت معصومه(س) آمده‌ایم.
روبه‌روی حرم و در شلوغی رفت و آمدهای مردم، من کنار دوچرخه‌ها ایستاده‌ام و شـــده‌ام نگهبان ۱۳دوچرخه. جوانی نزدیک می‌شـــود و می‌پرسد: چند نفر هستید؟ تعداد را که می‌گویم، می‌رود و با پلاستیکی پر از بستنی برمی‌گردد.
می‌گویم: دوســـتانم رفته‌اند برای زیارت و نماز. می‌گوید: پس بســـتنی‌ها را می‌گذارم توی یخچال همسایه. هر وقت دوستانت آمدند، به من خبر بده. چند دقیقه بعد ما هستیم و بستنی‌هایی که دوست جوانمان هدیه داده است و یا بهتر بگویم نذر گروه دوچرخه‌سواری ارادتمندان امام رضا(ع) کرده است. تشکر که می‌کنم، می‌گوید: خوشا به سعادتتان که می‌خواهید از این حرم تا مشهد رکاب بزنید ما را هم دعا کنید.
ســـاعتی بعد، پس از زیارت و نماز، در شـــب قم رکاب می‌زنیم. با خودم فکر می‌کنم چه حس و حال خوبی دارد رکاب زدن در شب قم که از بخت خوش ما می‌گویند هوایش دو سه روزی است بهتر شده.
هر کجا گذر می‌کنیم می‌توانیم نشانه‌ای از دهه کرامت را ببینیم که نشان از عشق و محبت اهالی قم به خواهر و برادری مهربان دارد.
فردا دعوت شـــده‌ایم به مراسم خطبه‌خوانی در حرم حضرت معصومه(س) با حال و هوایی خاص. در ادامه برنامه، می‌رویم برای زیارت بیت‌النور یا عبادتگاه حضرت معصومه(س) که در اســـناد تاریخی از جمله کتاب تاریخ قم نوشته حسن بن محمد قمی، به آن اشاره شده است.
گفته‌اند بیت‌النور در اصل خانه موسی بن خزرج از بزرگان قم بوده که در بدو ورود حضرت معصومه(س) به قم، به همراه دیگر بزرگان به استقبال حضرت رفته و ایشـــان را به این مکان منتقل می‌کند. حالا این مکان معروف اســـت به خانه یا عبادتگاه حضرت معصومه(س). ادامه برنامه، زیارت آستان مقدس امامزادگان چهل اختران اســـت و عصر هم رکابزنی تا مسجد جمکران برای شـــرکت در برنامه دعای توسل. فردا هم، صبح آفتاب نزده به جاده می‌زنیم. راه زیادی در پیش اســـت و باید رکاب زد و رکاب زد تا خانه خورشید. شاید دوست داشته باشید شما هم همراهمان باشید. پس این ستون را در روزهای آینده هم بخوانید.

یادی دوباره از یک خادم فرهنگی امام رضا علیه‌السلام و صدای ماندگارش

خاصّه به‌سبک «حاج رضا»

مجید تربت‌زاده تنها، کارِ حنجره و آواز و خواندن در «ردیف» و «گوشـــه» خاصی از موســـیقی نیســـت؛ «صلوات خاصـــه» بیـــش از این‌هـــا، از دلـــش می‌جوشـــید. اصلاً صـــدا و صوت نبود، ارادت بود که از میان تارهای صوتی‌اش می‌تراوید تا زمین و زمان معطر شود و حال دلمان را خوب کند. ماندگاری‌اش هم در حافظه فرهنگی این آب و خاک، مدیون صدای رســـا و زیبایش نیست. مرحوم «حاج رضـــا انصاریان» یکی از بی‌شمار خوش‌صداهایی است که نفس و حنجره‌اش را وقف اهل بیت(ع) کرده بود. حتی ســـال‌ها خدمتگزاری‌اش در کنـــار فراشـــان حرم مطهـــر رضوی و سفرهای مختلف داخلی و خارجی برای مداحی را هم نمی‌توان دلیل ماندگاری نام و یاد «رضا انصاریان» دانســـت. در واقع اگر ماندگاری در کار اســـت اول از همه به «صلوات خاصه»ای برمی‌گردد کـــه در لحظه لحظه فـــراز و فرودش، خلوص، عشـــق و ارادت موج می‌زند و تو را هر کجای شـــهر، هـــر کجای این کره خاکی که باشـــی، زائر امام رضا(ع) می‌کند... اَللّـهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضا الْمُرْتَضَی... .

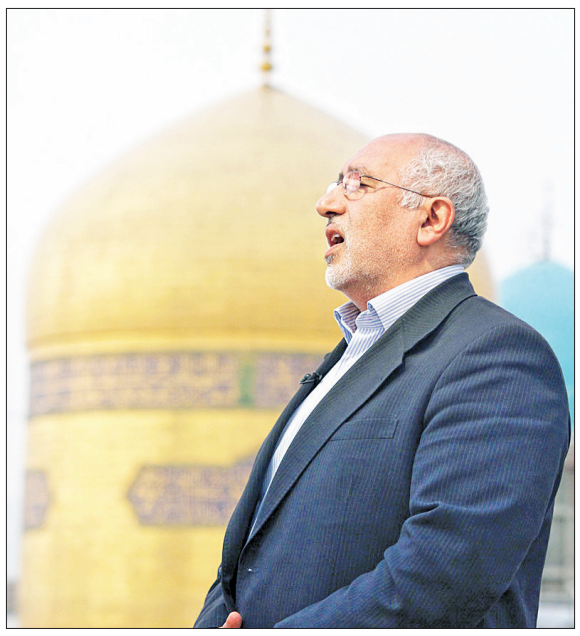

مداحی کودکانه

زاده ســـال ۱۳۳۳ در شهر «خوانسار» و البته از پنج ســـالگی بـــه «قم» رفته بود. مداح شدنش برمی‌گشت به همان دوران کودکی وقتی داشت کف حوض آب خانه‌شـــان را می‌سابید و به خیال خـــودش در تنهایی شـــعری از کتاب درسی‌اش را زمزمه می‌کرد. مادربزرگ ناغافل رسید و مچ نوه و صدای خوبش را گرفت و اصرار که فردا باید بیایی خانه همسایه برای مراســـم اربعین بخوانی! شـــعرش را هم خود مادربزرگ انتخاب کرد و روی کاغذ نوشـــت: «نسیمی گر تو را بر گل وزیده / مرا باد خزان بر گل رســـیده... گل تو سر سوی افلاک برده / گل من ســـر به زیر خاک برده... گل تو آب شیرین ســـیر خورده / گل من آب از شمشیر خورده...»همان مداحی کودکانه مقدمه‌ای شـــد تا بعدها کار را ادامه دهد، پـــای درس مداحی «حاج ملاحسین مولوی» و استاد «ستایشگر» بنشـــیند و آخر کار بشـــود «حاج رضا انصاریان».

بیا با هم برویم روضه

میانه دهه ۵۰ سر و ســـری با مبارزان و فعالان سیاســـی آن زمـــان پیدا کرد تا جایی که کار به دســـتگیری و زندان رفتن کشید. پس از آزادی و زمانی که هنوز تازه داماد به شمار می‌رفت، دست عروس زندگی‌اش را گرفت و به مشهد مهاجرت کرد. خودش ماجرای آمدن به مشهد را این طور گفته بود:
«در قضایـــای مبـــارزه مـــردم با رژیم ستمشـــاهی، برای من مشکلاتی پیش آمـــد که زندگـــی در قم برایم دشـــوار شد... تصمیم گرفتم مدتی از این شهر مهاجرت کنم. برای رفتن به مشـــهد، خدمت یکی از علما رسیدم و استخاره گرفتم؛ ایشـــان به من فرمودند: شـــما قصد مهاجرت دارید؟ عرض کردم: بله. فرمودند: این شهری که شما می‌خواهید بروید، بیشتر از ۱۰ روز از شما پذیرایی می‌کنند و خیلی در آنجا موفق خواهید بود؛ به شـــرط آنکه چند ســـالی صبر کنید؛ چون دو سه سالی، رنج زیادی را باید تحمل کنیـــد... یک ماه از ازدواجم می‌گذشت که به مشهد مهاجرت کردم. چند ســـال اول، مشکلات فراوانی برایم پیش آمد؛ اما همیشه پناهگاه من حرم حضرت رضا(ع) بود».
گاهی پاره وقـــت، معلمی می‌کرد، گاه در فروشگاه فرش به کار مشغول بود و البته مداحی هم می‌کرد. به قول خودش اولین «شله مشهدی» را هم همان روزها در مشـــهد خورد! اوضاع مالی مناسبی نداشت، همسرش در بیمارستان بستری بود، دلش گرفته بود و داشت توی کوچه می‌رفت که یک نفر صدایش زد: «مِخی بری روضه... بیا با هم بِرِم»! دســـت بر قضا مداح و روضه‌خوان مجلس غیبت داشـــت و «حاج رضا» داوطلب شد که بخواند. البته جوری که به قول صاحب مجلس کار دستشان ندهد... مجلس که تمام شد، اهالی محل پرسیدند: تو کجا بودی تا حالا؟ آن شب «حاج رضا» برای نخستین بار «شـــله مشدی» را تجربه کرد و مداح رسمی هیئتی شد.

مداح بود و نبود

سبک مداحی «حاج رضا انصاریان» خاص خودش بود. این ســـبک که می‌گوییم منظورمان سبک و دستگاه موسیقیایی و آوازی نیســـت. خـــود «مداحی» مراد اســـت که حرفه «انصاریان» بود و نبود. مداحی، بیشتر از حرفه، برای او وسیله عـــرض ارادت بود. همه عشـــق به اهل بیت(ع) را در صدا و اشعارش می‌ریخت و هدیه مخاطبانش می‌کرد. در دستگاه «خلوص» می‌خوانـــد، چه روزهایی که بدون دریافـــت پاکت مداحی می‌کرد و چه روزهایی که صاحب مجلس به اصرار پاکت به دستش می‌داد؛ چه سال‌هایی که میهمان عزاداران خارج از کشور بود و چه زمانی که برای مداحی به شـــهر و روســـتاهای دور افتاده کشورمان دعوت می‌شد؛ در همه این مجالس، حاج رضا و صدایش همان حـــاج رضای صلوات خاصه بود.

حرمت اشک

برای شعری که قرار بود بخواند و برای اشـــکی که قرار بود از مخاطب بگیرد، حرمـــت قائل بود. می‌دانســـت مداحی به صـــدا و آواز و گریاندن به هر قیمتی نیست. به جوانان علاقه‌مند مداحی گفته بود: «در اینکه سبک‌های زیبا را بخوانید حرفی نیســـت، ولی ایـــن که مثلاً یک ساعت بگویید: من مست مستم یا علی - علی پرســـتم یا علی... با این حرف‌ها، کجای نماز علی را، کجای اشک علی را به مردم یاد داده‌اید؟ اینکه یک ساعت فقط داد بزنید: حسین...حســـین... این چه ثمره‌ای دارد؟ آیا فقط با گفتن کلمه حسین، راه او ادامه پیدا می‌کند»؟

صحن آزادی

سال‌های سال بدون اینکه بشناسیمش، خو کرده بودیم به حال کردن با «صلوات خاصه»هـــای «حاج رضـــا». خیلی از حال‌هـــای خوبمان را مدیـــون «حاج رضا»یی بودیم کـــه حتی خودش هم نمی‌دانســـت و درست به خاطر نداشت «صلـــوات خاصه» معروفـــش را کی و کجا خوانده بود و ضبـــط کرده بودند. همســـرش در این باره گفته است: «هر وقت از خودش می‌پرسیدیم، می‌گفت: نمی‌دانم کی و کجـــا این زیارت خاصه را خواندم... حاج رضا وقتی شـــروع به خواندن می‌کرد این قـــدر حال خوبی داشـــت که دیگر جا و مـــکان برایش اهمیتی نداشـــت... اما به نظرم یکی از ســـحرهای ماه رمضان در صحن آزادی برای نخستین بار خوانده بود...».
تازه سال ۹۰ که به عنوان خادم فرهنگی رضوی معرفی شد خیلی از ما فهمیدیم صدایی که با عطر زیارت آمیخته بود و گاه و بیگاه سبب می‌شد دل‌هایمان پر بکشد سوی حرم و نائل شود به زیارت آقا، حاج رضا انصاریان است.

هفتوانه

محسن ذوالفقاری

خارجی‌ها بیشتر هوایمان را دارند!

جمعه: هنوز یک هفته‌ای از شـــر بیماری مشکوک به کرونایم نگذشته که دندان درد به ســـراغم آمد. امانم را بریده بود. روز جمعه و تنها درمانم انگار تحمل بود و تحمل. خودم را با این شـــعر دلـــداری می‌دادم: «هر که در این بزم مقرب‌تر اســـت / جام بلا بیشترش می‌دهند»؛ حالا بزمش کدام است را نمی‌دانم!
شنبه: اول صبح به دندانپزشکی رفتم، دندان پوسیده را کشیدم و از شرش راحت شدم. دکتر تشر زد که چرا از دندان‌هایم مراقبت نمی‌کنم؟ بهانه آوردم که جنس دندان‌هایم بد است وگرنه هر شب مسواک می‌زنم. پاسخ شنیدم: «ســـه بار باید در روز مسواک بزنی. چرند هم نگو! چه پراید، چه بنز؛ ازشون نگهداری نکنی خراب میشن». فهمیدم این درد، جام بلا نیست بلکه حاصل ســـهل‌انگاری خودم است. یعنی شعر بالا را بی‌دلیل خرج دندان دردم کردم. خدا کند روزی شایسته این شعر شوم و ظرفیتش را پیدا کنم.
یکشنبه: برای راه‌اندازی سایت «سنگر مسجد» با بچه‌های گروه‌مان جلسه مجازی برگزار کردیم. هر کدام اخبار مربوط به حوزه مســـجد را بیان کردیم. استادمان گفتند: «این حوزه این قدر بکر است و ما این‌قدر خوب کار کردیم که از کشـــورهای دیگر به من زنگ می‌زنند و در خصوص مســـجد مشورت می‌گیرند و از کارهای علمی و ترویجی‌مان استفاده می‌کنند. اگه کرونا نیامده بود به لبنان هم رفته بودیم! توی دلم گفتم: «خدا رو شکر که خارجی‌ها بیشتر ارزش کار ما را می‌فهمند و هوایمان را دارند».
دوشـــنبه: امروز هم دندان درد امانم را برید و ناچار راهی دکتر شدم. دکتر گفت: «وقتی یک سوزن کوچولو بره تو لثه تا چند روز ردش درد می‌کنه. من ریشه‌های پوسیده شده دندون خرابت رو از دل لثه‌هایت کشیدم بیرون. این دردش طبیعیه... باید تحمل کنی». این چند روز و چند هفته شـــکر نعمت سلامتی بیشتر به‌جا می‌آورم فقط.
سه‌شنبه: از سازمانی برای مشـــورت در حوزه امـــور مسجد دعوتم کردند. موضوع بحث در خصوص اوقات فراغت بود. فردی تقلا و اصرار داشـــت همه ســـازمان‌های فرهنگی و غیرفرهنگی باید بیایند پای کار برنامه‌های اوقات فراغت مساجد.از خود بی‌خود شدم و جواب دادم: «اولاً شما باید طرح و برنامه جذاب داشته باشید که سازمان‌های مختلف را جذب کند تا به طرفتان بیایند؛ نه اینکه با بخش‌نامه و خواهش و تمنا سازمان‌ها را وادار کنید سراغتان بیایند. دوم برخی از ســـازمان‌ها اگر دغدغه مسجد داشتند تا الان آمده بودند پای کار. سوم اینکه تا الان هیچ مسجدی دستش جلو هیچ سازمانی دراز نبوده»! با پرخاش گفت: «شـــما از کجا آمدی؟ کی شـــما رو دعوت کرده!» مجبورم کرد بگویم: «من نماینده همون مسجدی‌هایی هستم که شما دارید براشون برنامه‌ریزی می‌کنید... همون که شما رو دعوت کرده ما رو هم دعوت کرده»!
چهارشنبه: امروز که داشتم یادداشت این هفته هفتوانه را می‌نوشتم چیزی به ذهنم رســـید. این نوشتن خاطرات مثل مراقبه و محاسبه هفتگی است. ظاهراً یک ستون روزنامه‌ای را می‌نویسم اما در عمل تمام اعمال و رفتارهایم را مرور می‌کنم و می‌نویسم و فکر می‌کنم و با خودم کلنجار می‌روم. البته از این بابت هم خوشحال می‌شوم و هم نگران.

در سیره پژوهی نباید به کلیات اکتفا کرد

معارف: حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر ذاکری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که درباره آسیب‌شناسی سیره‌پژوهی با دبیر خانه چهارمین جشنواره «سیره امام رضا(ع)؛ آموزه‌ها و کارکردها» گفت‌وگو می‌کرد، بیان کرد: یکی از آسیب‌ها در سیره‌پژوهی، اکتفا به کلیات است؛ در حالی که مسائلی وجود دارد که کسی به آن‌ها نپرداخته است یا کمتر به تحلیل جزئیات پرداخته‌اند. ملاّ وقتی تحقیق می‌کنیم، می‌بینیم دانشمندان خراسان بزرگ که شامل آسیای میانه و افغانستان هم می‌شود، کتاب‌هایی نوشته‌اند که اکنون در دسترس نیست.

وی افزود: به عنوان نمونه ابن‌شهر آشوب در مناقب، از دانشمندان اهل سنت در مورد حضرت علی(ع) و یا امام رضا(ع) یک مطلبی را نقل می‌کند که منبع آن در دسترس نیست. یکی از کارهایی که می‌شود انجام داد همین است که این منابع جمع‌آوری شود، حتی اگر در یک کتاب مقدار محدودی از اخبار اهل بیت(ع) باشد. بسا گرداوری این منابع جدید می‌تواند از این زاویه وارد شود، می‌تواند مؤثر معصومین(ع) از جمله سیره امام رضا(ع) را بدست آورد و نکات جدیدی را استخراج کرد.

مدیر گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع) گفت: طبیعتاً محققان هم باید با توجه به نیازها و مسائل سیاسی- اجتماعی روز، به سیره نگاه کنند. به هر حال امام رضا(ع) شخصیتی است که به گونه‌ای به اجبار وارد حکومت شده و طبیعتاً موضع‌گیری‌هایی که داشته، خاص است؛ حتی این موضع‌گیری‌ها برای امروز ما نیز می‌تواند کارساز باشد؛ بنابراین اگر محقق از این زاویه وارد شود، می‌تواند مؤثر و سودمند باشد.

از عوام‌زدگی در مباحث حدیثی پرهیز کنیم

معارف: حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدکاظم طباطبایی در گفت‌وگو با دبیرخانه چهارمین جشنواره «سیره امام رضا(ع)؛ آموزه‌ها و کارکردها» درباره پژوهش‌های رضوی گفت: از نظر کارهای تحلیلی، تبیینی و آکادمیک هنوز تا وضعیت مطلوب فاصله داریم؛ مثلاً در بحث تاریخ حدیث ما باید بین احادیث صحاح با احادیث ضعیف فرق بگذاریم.

ما می‌خواهیم همه چیز را توجیه کنیم؛ این رویکرد، رویکردی است که در تاریخ حدیث جواب نمی‌دهد. اکنون نگاه کنید در مورد رساله ذهبیه که منسوب به امام رضا(ع) است؛ این انتساب قابل دفاع نیست.

وی افزود: عدهای گمان می‌کنند هر چه راجع‌تر بگوییم که تعداد روایت‌های منتسب به امام رضا(ع) بیشتر شود، به ایشان خدمت کرده‌ایم؛ در حالی که باید منقن صحبت کرد. ایـن پژوهش‌ها‌ها کار را خراب کرده‌اند؛ شما یک کتاب قطور را می‌بینید که ظاهر پژوهشی دارد اما از اتقان و استدلال لازم برخوردار نیست. این عوام‌زدگی در مباحث حدیثی باید کاهش پیدا کند و رویکردمان به گونه‌ای باشد که وقتی می‌خواهیم متنی را به امام رضا(ع) نسبت بدهیم، سخت‌گیرانه‌تر عمل کنیم.

رئیس پژوهشکده علوم و معارف حدیث ادامه داد: اگر کسی بخواهد یک جمله‌ای را به امام خمینی(ره) یا مقام معظم رهبری منسوب کند، دفتر نشر هنگامی می‌کند هر چه راجع‌تر بگوییم که تعداد جمله‌ای که در یک جایی نوشته شده و مستند شما چیست؟ و نقل قول را همین طوری گسی قبول نمی‌کند. آن وقت ما چطور می‌توانیم هر جمله‌ای که در یک جایی نوشته شده و مستندش هم معلوم نیست را به امام معصوم(ع) نسبت بدهیم و یا برخی از کارهای به ظاهر پژوهشی انقان و استدلال لازم برخوردار نیست. این عوام‌زدگی در مباحث حدیثی عرضه کنیم؟

بررسی جنبه‌های اجتماعی امر «زیارت» در گفت‌وگو با دکتر سیدعلی نقی ایازی، عضو هیئت علمی پژوهشکده اسلام تمدنی

زیارت؛ تعامل دو سویه «معرفت» و «مناسک»

معارف/ افتخاری/ هر ساله میلیون‌ها زائر در حرم مطهر رضوی و سایر اماکن مقدسه به انجام عمل زیارت، به عنوان یکی از مناسک مهم در مذهب تشیع می‌پردازند. اما این عمل در کنار بعد فردی که تأثیرگذاری آن بر شـخص زائر است ابعاد اجتماعی دیگری نیز دارد؛ چرا که زائران در کنار یکدیگر و گاهی در مناسکی مشترک به زیارت مشغول می‌شوند. از این رو می‌توان از این عمل عبادی برای بهبود شرایط جامعه استفاده کرد که البته لازمه آن گفتـوگو در خصوص جنبه اجتماعی امر زیارت در ابعاد مختلف است. به همین منظور با دکتر سیدعلی نقی ایازی، عضو هیئت علمی گروه قرآن و مطالعات اجتماعی پژوهشکده اسلام تمدنی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

◆ آقای دکتر! برای بررسی ابعاد اجتماعی مفهوم زیارت باید به کدام یک از حوزه‌های جامعه‌شناسی ورود پیدا کرد؟

ما زیارت را ذیل جامعه‌شناسی دین تعریف می‌کنیم. در جامعه‌شناسی دین؛ مجموعه باورها، ارزش‌ها و عناصر فرهنگی درباره ماورالطبیعه، مورد توجه قرار می‌گیرد و در این مسیر نمادها و مناسکی که در پررنگ شدن باورها و ارزش‌ها نقش دارند، در کنار عواطف و احساساتی که جزو تراوش این مناسک هستند، مورد بررسی جامعه‌شناسانه قرار می‌گیرند. طبیعتاً در این مسیر بستهای از قواعد و هنجارها که شکل خود را در دل جوامع می‌آورند وجود زندگی می‌شوند با نخستین چالش‌ها را به میان می‌آید. در این شـرایط خواننده‌ها باید گام به گام با این اتفاق‌ها که کنند و زندگی‌شان را بجرخانند من خدا را شکر می‌کنم که در زندگی شخصی با تفکراتی که پدرم داشت و این را به من القا می‌کرد که یک زن باید مادر و همسر باشد و اگر موفقیت‌های دیگری بدست بیاورد قابل نفی نیست اما از چیزی که اصل است و اساسی آن است غافل نماند. از همان ۱۸ سـالگی که زندگی را شـروع کردم با همین تفکر وارد زندگی شدم. هم مفتخر شدم که این مهارت‌ها مهیا خواندم. خیلی‌ها از من می‌پرسند سخت نبود؟ بله سخت بود ولی یک چیزی را یاد گرفتم که در چالش‌های زندگی خودم به آرامش و امنیت رسیدم. مجموعه دوم دین، مناسکی است که این باورها و ارزش‌ها را تقویت می‌کند. به عنوان مثال وقتی مسلمانی در مواقع پنج‌گانه نماز می‌خواند نوعی ارتباط با معبود پیدا می‌کند که منجر به تقویت یگانگی خدا و شکرگزاری نزد او می‌شـود. در مسئله زیارت هم بخواهم مثال بزنم همین طور اسـت. در زیارت ارتباطی با ولی خدا پیدا می‌کنیم، ولی خدا واسط بین خدا و بنده خداست، پس برای تعمق این مطلب باید در مسـیر زیارت حرکت کرد. ما از منـاسـک که زیارت بخشی از آن است باید استفاده بهینه بکنیم چون تعامل دوسـویه‌ای بین معرفت و مناسک وجود دارد، یعنی هر چقدر معرفت ما افزایش پیدا کنیم، مناسک‌ها تقویت می‌شود و مناسـک‌هایی که مبتنی بر معرفت باشد به تقویت بُعد معرفتی ما کمک می‌کند.

◆ با این مقدمه‌ای کـه بیان فرمودید ما می‌توانیم به زیارت به عنوان بستری برای هنجارسازی نگاه کنیم؟

مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها با مناسک تبلور پیدا می‌کنند، تقویت می‌شوند و به وسیله قواعد و هنجارهای رفتاری تداوم پیدا می‌کنند. من شما را به زیارت جامعه کبیره ارجاع می‌دهم در آن ابعادهای هنجارپذیری و شکل‌های تداوم هنجارهای مطلوب بیان شده است. محتوا این است که شما نزد کسانی هستید که راه تعامل با مردم، همبستگی و روش‌های رسیدن به رضایت مردم را به من آموزند. اینکه این اتفاق‌ها می‌افتد به این علت اسـت که بعد شناختی برای ما درونی نشده، در مجموعه کلانش نهادینه‌سازی نشده اسـت. اشکال اینجاسـت، در حالی که اگر این اتفاق بیفتد مناسـک به طور کلی و زیارت به عنوان یکی از مناسـک باید بتواند هنجارسازی کند. این اتفاق‌ها در گذشته خیلی راحت‌تر می‌داده اما پیچیدگی‌های جامعه مدرن این را دسـتخوش تغییر کرده است. مهم‌ابعاد مختلفی هم دخیل در این امر هستند که مهم‌ترین این‌ها خوانده‌اند. به عنوان مثال ما باید مفهوم ولایت را از طریق خانواده و نهاد مساجد به درستی به فرزندانمان منتقل کنیم. گاهی به دلیل تعارضی که در نهادهای هنجارساز وجود دارد در شخص یک پارادوکس ایجاد می‌شود، نمی‌داند آن چیزی که در خانواده فراگرفته درست است یا آنچه در جامعه آموخته است. بنابراین باید یک همـوسویی بین نهادهای هنجارساز وجود داشته باشد. در کنـار آن ما باید یک معرفت‌افزایـی واقعی‌بنیه به دور از مطالب نادرست صحیح‌تر عمل کنیم.

◆ آقای دکتر! برای بررسی ابعاد اجتماعی مفهوم زیارت باید به کدام یک از حوزه‌های جامعه‌شناسی ورود پیدا کرد؟

ما زیارت را ذیل جامعه‌شناسی دین تعریف می‌کنیم. در جامعه‌شناسی دین؛ مجموعه باورها، ارزش‌ها و عناصر فرهنگی درباره ماورالطبیعه، مورد توجه قرار می‌گیرد و در این مسیر نمادها و مناسـکی که در پررنگ شدن باورها و ارزش‌ها نقش دارند، در کنار عواطف و احساساتی که جزو تراوش این مناسک هستند، مورد بررسی جامعه‌شناسانه قرار می‌گیرند. طبیعتاً در این مسیر بستهای از قواعد و هنجارها که شکل خود را در دل جوامع می‌آورند وجود زندگی می‌شوند با نخستین چالش‌ها را به میان می‌آید. در این شـرایط خواننده‌ها باید گام به گام با این‌ها حرکت کنند و زندگی‌شان را بجرخانند. من خدا را شکر می‌کنم که در زندگی شخصی با تفکراتی که پدرم داشت و این را به من القا می‌کرد که یک زن باید مادر و همسر باشد و اگر موفقیت‌های دیگری بدست بیاورد قابل نفی نیست اما از چیزی که اصل است و اساسی و همری است. من از همان ۱۸ سـالگی که زندگی را شـروع کردم با همین تفکر وارد زندگی شدم. هم مفتخر شدم که این مهارت‌ها مهیا خواندم. خیلی‌ها از من می‌پرسند سخت نبود؟ بله سخت بود ولی یک چیزی را یاد گرفتم که در چالش‌های زندگی خودم به آرامش و امنیت رسیدم.

◆ با این مقدمه‌ای کـه بیان فرمودید ما می‌توانیم به زیارت به عنوان بستری برای هنجارسازی نگاه کنیم؟

مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها با مناسک تبلور پیدا می‌کنند، تقویت می‌شوند و به وسیله قواعد و هنجارهای رفتاری تداوم پیدا می‌کنند. من شما را به زیارت جامعه کبیره ارجاع می‌دهم در آن ابعادهای هنجارپذیری و شکل‌های تداوم هنجارهای مطلوب بیان شده است. محتوا این است که شما نزد کسانی هستید که راه تعامل با مردم، همبستگی و روش‌های رسیدن به رضایت مردم را به من آموزند. اینکه این اتفاق‌ها می‌افتد به این علت اسـت که بعد شناختی برای ما درونی نشده، در مجموعه کلانش نهادینه‌سازی نشده اسـت. اشکال اینجاسـت، در حالی که اگر این اتفاق بیفتد مناسـک به طور کلی و زیارت به عنوان یکی از مناسـک باید بتواند هنجارسازی کند. این اتفاق‌ها در گذشته خیلی راحت‌تر می‌داده اما پیچیدگی‌های جامعه مدرن این را دسـتخوش تغییر کرده است. مهم‌ابعاد مختلفی هم دخیل در این امر هستند که مهم‌ترین این‌ها خوانده‌اند. به عنوان مثال ما باید مفهوم ولایت را از طریق خانواده و نهاد مساجد به درستی به فرزندانمان منتقل کنیم. گاهی به دلیل تعارضی که در نهادهای هنجارساز وجود دارد در شخص یک پارادوکس ایجاد می‌شود، نمی‌داند آن چیزی که در خانواده فراگرفته درست است یا آنچه در جامعه آموخته است. بنابراین باید یک همـوسویی بین نهادهای هنجارساز وجود داشته باشد.

در کنـار آن ما باید یک معرفت‌افزایـی واقعی‌بنیه به دور از مطالب نادرست صحیح‌تر عمل کنیم.

◆ با این مقدمه‌ای کـه بیان فرمودید ما می‌توانیم به زیارت به عنوان بستری برای هنجارسازی نگاه کنیم؟

مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها با مناسک تبلور پیدا می‌کنند، تقویت می‌شوند و به وسیله قواعد و هنجارهای رفتاری تداوم پیدا می‌کنند. من شما را به زیارت جامعه کبیره ارجاع می‌دهم در آن ابعادهای هنجارپذیری و شکل‌های تداوم هنجارهای مطلوب بیان شده است. محتوا این است که شما نزد کسانی هستید که راه تعامل با مردم، همبستگی و روش‌های رسیدن به رضایت مردم را به من آموزند. اینکه این اتفاق‌ها می‌افتد به این علت اسـت که بعد شناختی برای ما درونی نشده، در مجموعه کلانش نهادینه‌سازی نشده اسـت. اشکال اینجاسـت، در حالی که اگر این اتفاق بیفتد مناسـک به طور کلی و زیارت به عنوان یکی از مناسـک باید بتواند هنجارسازی کند. این اتفاق‌ها در گذشته خیلی راحت‌تر می‌داده اما پیچیدگی‌های جامعه مدرن این را دسـتخوش تغییر کرده است. مهم‌ابعاد مختلفی هم دخیل در این امر هستند که مهم‌ترین این‌ها خوانده‌اند. به عنوان مثال ما باید مفهوم ولایت را از طریق خانواده و نهاد مساجد به درستی به فرزندانمان منتقل کنیم. گاهی به دلیل تعارضی که در نهادهای هنجارساز وجود دارد در شخص یک پارادوکس ایجاد می‌شود، نمی‌داند آن چیزی که در خانواده فراگرفته درست است یا آنچه در جامعه آموخته است. بنابراین باید یک همـوسویی بین نهادهای هنجارساز وجود داشته باشد.

در فضایی کـه از امام علی(ع) ذکر می‌کنیـم او را در حد خدا فرض می‌کنیم، در صورتی که مخاطب پرسـشگر اسـت و می‌خواهد بین این دو تفاوت قائل شـود؛ بنابراین موجب می‌شود نهادسازی دچار رخنت و رکود بشود.

◆ اگر بخواهیم از بُعد کنـش اجتماعی به زیارت، به عنوان یکی از انواع مناسک نگاه کنیم، آن وقت تبعیت ناآگاهانه‌ای که در این نوع از کنش رخ می‌دهد، منجر به تهی شدن معنی از آن نمی‌شود؟

ابتـدا باید بین کنش جمعی و کنش اجتماعی تفاوت قائل شـویم. اگر زیارت از نوع کنش اجتماعی باشد این اشکالی که مطرح شد وارد اسـت. در کنش اجتماعی ما به زیارت می‌رویم با توجه دیگران را جلب کنیم اما در کنش جمعی نه، در این کنش یک ویژگی در شخص کنشگر وجود دارد کـه همکاری و خیر جمعی را در نظـر دارد و الزاماً اینکه بخواهد توجه دیگری جلب شـود، مراد نیسـت. از تفاوتی که بین جامعه و اجتماع در جامعه‌شناسی وجود دارد ناظر به همین مسـئله اسـت. در جامعه مدرن «جامعه» شکل گرفته اسـت در حالی که «اجتماع» برای جمعیت‌هایی است که در گذشته بوده اسـت. در اجتماع، کنشی را به این دلیل انجام می‌دادند که دیگران هم را انجام می‌دادند یا به اصطلاح جامعه‌شناسـی گـلـوار بودند. در حالی که جامعه مدرن می‌خواهد بـرای یک کنش یک تکریب را در نظر می‌گیرید؛ که بخشـی از آن توجه به جامعه اسـت و بخشی دیگر، عقلانیت اسـت. یعنی در زیارت، کنشگر بر اساس برخی از مناسباتی که برایش سودآوری داشته باشد بـه کنش قائم می‌کند. البته دقـت کنید که اینجا وقتی صحبت از سودآوری می‌کنیم الزاماً سـودآوری دنیوی مراد نیسـت. مجموعه‌ای از انواع سودآوری مدنظر اسـت. بنابراین اگر بگویم زیارت یک کنش اجتماعی اسـت از آنکه کنش جمعی محض گردد بدور اسـت. یعنی افـراد به زیارت مبادرت می‌کنند به خاطر اینکه در جمع قرار می‌گیرند. به عنوان مثال اعتلای جامعه که به زیارت اربعین وارد می‌شـود در همین مورد اسـت. یا فرض کنید همسـاکن اسـت دوه‌ها به خاطر جمعیتی بودن به این کنش می‌زنند. در دیگر کنش آگاهانه مبتنی بر یک معرفت نیسـت. اما در این مجموعه هم کنـد؟ حالا بعدد که گاهـی این روایت‌ها و هدایت با فهم نادرست جلوب همراه است.

روایت

روایت مریم صیاد شیرازی از رفتار پدر با دختر

تمام تلاش پدر، توانمند کردن من در زندگی واقعی بود

معارف: در روزهای نوجوانی و کودکی‌ام تا زمانی که ازدواج کردم، پدر حضور زیادی نداشـتند. با خودم فکر می‌کنم دوسـتان و همرزمانش بیشـتر از ما از او خاطره دارند. زمانی هم که پدر از جنگ برگشـت یک تا دو سال بعد من ازدواج کردم و دیدارهایمان هفتگی شـد. اما آن چیزی که برای خودم پررنگ اسـت این اسـت که پدر تمام سـعی‌اش را کرد که سال‌های نبودنش را برای من که فرزند بزرگ خانواده بودم جبران کند. روزهایی که ایشان از جنگ برگشته بود و ما بیشـتر حضورش را در خانه داشتیم، با سال‌های آخر تحصیل من در دبیرسـتان مصادف بود.

بابا بـه لحاظ حـرفـه‌ای یک امر نظامی بسیار مقتدر بود و من در این سال‌ها در عین حال که من را خیلی دوسـت داشتم با ایشان راحت نبودم که حـرف بزنم. بابا این را کامل متوجه شـده بود و برای اینکه روی من باز شود و بتوانم با او صحبت کنم- با این اندیشـه که اگر زمانی برای من خواستگار آمد بتوانم با او گفتوگو کنم- جلسـاتی را صبح‌ها می‌گذاشـتند تا در موضوعات آزاد، درس و خاطرات گذشـته خودشان صحبت کنیم. همین طور خیلی دوست داشـتند من زندگی باز بگیرم، به همین خاطر صبح‌های زود پیش از اینکه به سر کار بروند من را تمرین می‌بردند. من دختر بزرگ خانه بودم و در نبود بابا برخی مسئولیت‌ها در خانه به من محول می‌شد. از همین بابت بابا خیلی به من احترام می‌گذاشـت. ایمـان می‌گفتند: تو یک زمانی ازدواج می‌کنی به همین خاطر بعضی چیزهـا را باید یاد بگیری. در زمانی که ما حاضر می‌رفتند، پدر می‌گفتند صبرتون حوصله با شما باشد و مثل یک خانم خانه از من انتظار نداشتند. بعد از فهرسـتی از اقلام مورد نیاز برای آشـپزی تهیه کن. گاهی هم در پختن غذا به من کمک می‌کردند. با این اتفاق‌ها به گونه‌ای این آمادگی را در من ایجاد می‌کردند تا برای نقش مادری و همسری آماده شوم.

ایشان می‌گفتند: درس خواندن و سایر فعالیت‌ها در مسیر زندگی یک زن اتفاق می‌افتد. اما تکلیف اصلی مادر بودن و همسر بودن است. برایشان هم بود که این توانایی‌ها را در من ایجاد کنند. در این مسـیر هم خیلی به من کمک می‌کردند تا زمانی که ازدواج می‌کنم به این مهارت‌ها مجهز باشـم. مثلاً بابا بار طول سـال‌های زندگی با مادرم هیچ بود ولی یک چیزی را یاد گرفتم که در چالش‌های زندگی خودم به آرامش و امنیت رسیدم. این همان چیزی است که من از همان خاطر آن سـال‌ها که به منزل برگشـته بود من همیشه مشتاق بودم از من درخواستی داشته باشد. حتی بگوید برایم چایی بریز؛ تا این حد ملاحظه ما را می‌کرد. با اینکه بیرون از خانه یک فرمانده بود، وقتی به خانه می‌آمد یا به پای تمام اعضای خانواده کار می‌کرد. با تمام خسـتگی‌اش داشـته باشد تا آن را اجابت کنم، آن سال‌ها مسئولیت اتو کردن لباس‌هایش را به عهده گرفتم و این برای من خیلی لذت‌بخش بود. چون می‌دانسـتم بابا وقت کمتری دارد، بعضاً لباس‌هایش را به خشـکشـویی می‌داد. حتی وقتی ازدواج کردم تا یکی دو سـال اول که بچه نداشتم باز هم این کار را انجـام می‌دادم. ولی به محض اینکه فرزند اولم متولد شد دیگر اجازه نداد این کار را انجام بدهم. می‌گفت: تو مسئولیت سـنگین اسـت و مادر شده‌ای! هر چند من بولشـکی باز می‌رفتم سـراغ لباس‌هایـش و آن‌ها را اتو می‌کردم، او تمام سعی‌اش این بود که پیش از آنکه به درس من رسیدگی کند از من یک زن توانمند که از پس مسائل زندگی برمیایم بسـازد. چیزی که اکنون متأسفانه کمبودش در مدارس و خانواده‌های ما به چشم می‌خورد. تا جایی که چشـم‌اندازم همه، چه خانواده‌ها و چه اولیای مدرسه فقط این اسـت که از دختران، فقط اول کنکور در رشـته‌های خوب تحصیلی بسـازند. در اینجا نقش‌هایی اصلی دخترتان که قرار اسـت در زندگی آینده‌اش، کاملاً مغفول مانده است و دیده نمی‌شود.

امروز ما شـاهد این هسـتیم که دختران با سـن بالا ازدواج می‌کنند اما فقط کمترین مهارت‌های زندگی هسـتند. و این به خاطر همین چـیـزاندار و راهبردهایی اسـت که در مدارس ما اخذ نمی‌شـود. این طور می‌خواهد که وقتی وارد زندگی می‌شوند با نخستین چالش‌ها از پا درمی‌آیند. در این شـرایط خانواده‌ها باید گام به گام با ایشان حرکت کنند و زندگی‌شان را بجرخانند. من خدا را شکر می‌کنم که در زندگی شخصی با تفکراتی که پدرم داشت و این را به من القا می‌کرد که یک زن باید مادر و همسـر باشد و اگر موفقیت‌های دیگری بدسـت بیاورد قابل نفی نیسـت اما از چیزی که اصل اسـت و اساسی و همری است. من از همان ۱۸ سـالگی که زندگی را شـروع کردم با همین تفکر وارد زندگی شدم. هم مفتخر شدم که این مهارت‌ها مهیا خواندم. خیلی‌ها از من می‌پرسند سخت نبود؟ بله سخت بود ولی یک چیزی را یاد گرفتم که در چالش‌های زندگی خودم به آرامش و امنیت رسیدم.

یادداشت

annotation@qudsonline.ir
نسیم کامرده/ پژوهشگر جامعه‌شناسی تشیع

سبک زندگی رضوی (۳)

عبادت خداوند؛ ستون اصلی زندگی پرهیزگارانه

پرستش و عبادت در حقیقت، توجه باطنی انسان به حقیقتی است متعالی و برتـر که فرد مومن، خود را نیازمند او و در قبضه قدرت او می‌بیند. تقدیس و پرسـتش امری غریزی و از نیازهای فطری بشر اسـت؛ هر ما غریزی هسـت که ما را به دنیای دیگر پیوند می‌دهد؛ همان طور که غرایزی به این جهان پیوند می‌دهد؛ انسان با عبادت به یک احسـاس معنوی و فرامادی خود پاسخ می‌دهد و لازمه هر احسـاس طبیعی، این است که پاسـخ دادن به آن موجب لذت و احساس رضایت می‌شود. عبادت و پرسـتش، به انسان این امکان را می‌دهد که به افق‌های وسـیع‌تر از محدوده زندگی مادی و زمینی بیندیشد. در این سیر روحانی، انسـان می‌یابد که نیازی فراتر از نیازهای مادی، لذتی فراتر از لذات جسمانی و وجودی ماورای کالبد محدود زمینی دارد. انسان به وسیله عبادت، در عقایدش به مرحله یقین می‌رسد؛ یقین به اینکه خدایی وجود دارد که همه چیز را حاضر است و اعمال و عبادت‌هایش را می‌بیند. عبادت برای تقویت عشـق و علاقه معنوی و ایجاد حرارت ایمانی در انسان اسـت؛ یعنی همان طور که ایمان به نوبه خود منشأ عبادت اسـت، عبادت هم تقویت‌کننده ایمان اسـت و به این تأثیر متقابل ایمان و عمل در متون اسلامی زیاد تصریح شده اسـت.

از منظر امام رضا(ع)، «عبادت و پرسـتش» با شناخت و معرفت آغاز می‌شود؛ تفکر در مبدأ حقایق انسیا و معبود بالطبـع عبـادت عملی، آگاهانه و پایداری را به همراه می‌آورد که در حال توانمع و خـضوع نسبت به خالق و مبدأ هسـتی هر روز تکرار می‌شـود و فردی که به آداب دینی عمل کرده اسـت- آدابی که احسان حضور امر قدسی را به بهترین شکل قابل تجربه می‌سازد- می‌بیند که این عبادت‌ها برانگیزاننده آرامش درونی، صفای باطن و شوقی بی‌دبل معنوی هستند.

بنابرایـن اگرچه ایمان بـه عنوان معنایی انتزاعی دور از دسـترس تحلیل و بررسی‌های علمی است اما عبادت و پرستش که از نتایج اصلی ایمان و اعتقاد است؛ به‌عنوان امری عینی در سبک زندگی افراد قابل مشاهده و مطالعه است. امام رضا(ع)، از عزت یافتن و محبوب شـدن انسـان را «طاعت از خدا دانسته است اطاعتی که انسان هم در ظاهر و آشکارا و هم در باطن و در نهان انجام می‌دهد و عبادت یکی از مصداق‌های بارز آن اسـت؛ مثلاً در نماز، انسان خود را در برابر وجودی مقدس و بی‌مانند می‌بیند و یگانگی و عظمتش را در درون خود بیشتر درک می‌کند. هر روز چند نوبت در زمان مشخص با اعمال و حالات خاص معنوی، ادکار مشخصی را زمزمه می‌کند و سعی می‌کند تمام توجهش به خدا و نیایش با او باشد. این انسان مؤمن نسبت به مبدأ هسـتی اظهار بندگی می‌کند و ضمن تعظیم و تکریم خداوند اظهار می‌کند که همواره به یاد او بوده و لحظـه‌ای او را فراموش نمی‌کند و در مقابل نعمت‌هایی که به او عطا کرده، ناسپاس نیسـت. این اعتراف روزانه در مقابل مبدأ هسـتی با روحیاتی متواضعانه و همراه با قدرشناسی در نماز، علاوه بر برخوردار کردن فرد از حس عقل و آثار معنوی‌اش، آغازگر کنش و رفتارهای مثبت دیگری خواهد بود که فرد در ارتباط و تعامـل روزمره با دیگران به آن نیاز دارد. عبادت‌هایی که امام رضا(ع) به آن عمل و توصیه کرده است در ارتباط تنگاتنگ با سایر اعمال فرد عمدا می‌باید چنانکه این عبادت در منابع تعاملات اجتماعی امام اسـت و نسبت به امور دیگر اهمیت دارد. امام رضا(ع) می‌گوید انسـان را از ضعف‌های اخلاقی دور کرده و به آفاق دسـت‌گیری از فقرا نیکوکاری و یک‌فرنگری با دیگران سوق داده و روحیه صبر درسـتی‌ها و ممکنات را در تقویت ساختار دارد. در نظام معنایی سازه سبک زندگی رضوی، عبادت به تنها انسان را مزنوی و عرلنرشین نمی‌کند بلکه او را در متن جامعه و در وضعیت مدرم و در راستای برآوردن نیازهای دیگران آماده می‌سازد که این آمادگی با برهیزگاری، بندگی، خضوع و فروتنی انسان مؤمن در مقابل قدرت بی‌انتهای الهی و قدسی خداوند معطوف می‌شود.

این رابطه مبتنی بر سلامت و محبت- میان مخلوق و خالق- که در این نظام معنایی تبیین شده اسـت؛ از عمیق‌ترین لایه‌های وجودی یک انسان مؤمن به تمامی جامعه قابل سـرایت اسـت و بـر انسـان آن اسـانی که خدایرسـت و خداوسـت اسـت از جمله هم رویای پرهیزگارانه مبتنی بر دوستی و تفقت با دیگران را در پیش جامعه گرفت. چون سـبک زندگی رضوی به نظرنی نخنی، اهداف و نظام معناداری فرد بنا شـده اسـت؛ از او رو به تمایز سـبک زندگی که خدایرسـتی از معانی مهم و بنیادین آن اسـت، داشتن رویای پرهیزگارانه است که در آن خودمحوری دیگر نمی‌دیگرخواهی تشویق شده است.

یادداشت شفاهی

فرد منتظر نسبت به جامعه خودبی تفاوت نیست

حجت‌الاسـلام مجتبـی کلباسی/ مدیر مرکز تخصصی مهدویت حـوزه علمیه قم: بین حرکت حضرت معصومه(س) با منتظر، خانواده منتظر و جامعه منتظر ارتباط وجود دارد تا حضرت به دنبال امام خود- که برادرشان علی بن موسی‌الرضا(ع) بود- حرکت کرد و برای رسیدن به ایشان مسائل و سختی‌هایی را در مسیر به خود هموار کرد که شرح آن در تاریخ آمده است. حضرت معصومه(س) در مسیر هدف و در مسیری که امامت و هدایت الهی است، حرکت و هجرت کرد و زندگی خود را بر اساس این آرمان تغییر داد. گرچه این تغییر تقریباً به ارتحال شهادت‌گونه حضرت منجر شد اما بسیار مهم است که ایشان در زندگی چه چیزی را دنبال کرده است.

منتظر به قدری گفته می‌شـود که زندگی‌اش، نشان انتظار داشـته باشـد. او در پی ایجاد عدالت و برپایـی حق و رفع تبعیض‌ها و کم کردن آلام بشـر اسـت. فرد منتظر نسبت به جامعه و اطراف خود بی‌تفاوت نیست و از کنار هر واقعه‌ای چه فردی و چه اجتماعی ساده نمی‌گذرد.

منتظر بودن، مصادیق بسـیاری از کوچـک تا بزرگ را در بر می‌گیرد. اگـر هنگام رانندگی و یا مشـاهده رانندهای که با رانندگی اشـتباه خود به دیگران ظلم می‌کند نمی‌توانی گفتر کـرده و یا خود نیز همان کار را انجـام دادیم باید بدانیم که منتظر نیستیم. نزدیک به یک قرن اسـت که رژیم صهیونیسـتی در مزور اسـت. ما اگر بحث کارکردهـای اجتماعی زیارت را مطـرح می‌کنیم، این‌ها کارکردهای پنهان هسـتند. در دیدگاه کارکردگرایی زمانی کـه بحث کارکردهای پنهان و آشـکار مطرح می‌شود، در کارکرد آشکار شخص کنشگر به اثر کنشـی که می‌خواهد انجام دهـد توجه می‌کند و می‌خواهد آن اثر را داشـته باشـد اما در کارکرد پنهان، کنش آثاری دارد اما کنشـگر آن را اراده نکرده اسـت. به عنوان مثال زیارت اربعین می‌تواند به همبسـتگی اجتماعی کمک کند اما شـخص زائر به عنوان کنشـگر آن را اراده نمی‌کند. این جزو کارکردهای پنهان است.

◆ در بحث رویکرد کارکردگرایی به کارکردهای پنهان و آشکار زیارت اشـاره کردید، آیا برای زیارت به این صورتی که امروزه در حرم مطهر امام رضا(ع) و سایر اماکن مقدس انجام می‌شود، می‌توان کارکردهایی را هم بیان کرد؟

بله. همین که معرفت درسـتی نسبت به امام صورت نگیرد، ما زیارت را در زیارت‌نامه خواندن خلاصه می‌کنیم در حالی که در فضـا و مکان حرم مطهر امام رضا(ع) باید روح زیارت متبلور باشد. مثلاً یکی از مختصات زیارت مؤثر، توجه است. فرد وقتی در آن مکان می‌آید باید از تعلقات دنیوی خارج شود و احساس کند در محضر امام است در حالی که در این فضا از آن فضا ظواهـر و جمجمه‌های تبلیغات وجود دارد که حواس زائر برت می‌شود. در همان یک روزی که شما زیارت رفتید، بلندگوهای سایران، همه تصمیم گرفته‌اند مرا اعصابم را هدر کنند. این عوامل با روح توجه نسازگار اسـت. یا نوع شـیوه‌العمل‌هایی که وجـود دارد دخترخانمی بـه زمانی تصمیم گرفته اسـت سوز زیارت مقداری از موبش هم ببرون اسـت. ۱۰ نفر می‌زنند سرش که خلاصه مهاجرت را بیوشان. با مرور پیـری که با تیپ متفاوتی از خواسته‌های زیارت به زیارت می‌آیند که همین شکل در کنار این مواردبحث مجموعی هم مطرح است. نوع تبلیغات و محتوایی که در حرم پخش می‌شـود گاهی از امام رضا(ع) چیزهایی می‌گویند که با ذهن مخاطب مأنوس نیسـت، شاید حرف درست باشـد. اما به هر حال در بحث رسانه می‌دانیم که باید ارتباطی بین فرهنگ و گویند بهم پیلم. من باید با خودم فکر کنم که مخاطب من می‌تواند چیزی را که من می‌گویـم هضم کند؟ حالا بعدد که گاهـی این روایت‌ها و هولیت‌ها محوری‌ترین مفهوم در سـیره سیاسی امام رضا(ع) است. ما اگر بحث کارکردهـای اجتماعی زیارت را مطـرح می‌کنیم، این‌ها کارکردهای پنهان هسـتند. در دیدگاه کارکردگرایی زمانی کـه بحث کارکردهای پنهان و آشـکار مطرح می‌شود، در کارکرد آشکار شخص کنشگر به اثر کنشـی که می‌خواهد انجام دهـد توجه می‌کند و می‌خواهد آن اثر را داشـته باشـد اما در کارکرد پنهان، کنش آثاری دارد اما کنشـگر آن را اراده نکرده اسـت. به عنوان مثال زیارت ا

قدس پاپیوس
ویژه دهه کرامت
سیما و سینما
۱۲ پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۹۹
۳ ذی‌القعده ۱۴۴۱ | ۲۵ ژوئن ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۲۷۷

یادداشت

annotation@qudsonline.ir
دکتر محمد شیخانی

علت کم تعداد بودن فیلم‌های مذهبی در سینمای ایران چیست؟

سینمای غریب!

در سال‌های اخیر تمرکز سینمای ایران عمدتاً حول مسائل اجتماعی بوده است. قصه آدم‌هایی که در نهایت در یک چاردیواری شکل می‌گیرد و در همان چاردیواری هم خاتمه پیدا می‌کند، آن‌قدر برای کارگردانان جاذبه ایجاد کرده که معمولاً ترجیح می‌دهند از این محدوده خارج نشوند. سینمای اجتماعی برایشان حصاری امن ایجاد کرده و ریسک خروج از آن را به خود نمی‌دهند. ژانری که یک‌شبه به ویژه از نیمه دوم دهه ۸۰ محبوب شد و هر بار به زعم خود کارگردانان که دیگر مؤلف نیز نیستند، از زاویه‌ای جدید به آن پرداخته می‌شود.

این قبیل کارگردانان و سینماگران البته صرفاً روی یک بخش از مسئله تمرکز کرده‌اند. گفتمان اصلی آنان این است: «آینه‌ای در برابر جامعه قرار می‌دهیم؛ این آینه جز مسائل اجتماعی و دغدغه‌های روزمره عمدتاً قشر متوسط ، مسئله دیگری را نمایان نمی‌کند». در جایگاه قضاوت این پارادایم نیستم، اما باور دارم امروزه در جامعه ما هیچ فرد، ماهیت، سازمان، نهاد یا قدرتی نیست که در شکل دادن به باور و رفتار، هم‌تراز سینما و تلویزیون باشد؛ بنابراین سینما هم بازتاب‌دهنده و هم ارزش‌آفرین و هنجارساز است.

مقدمه از این بابت بود که سینمای مذهبی، دینی و یا در شکل کلان آن سینمای معناگرا، در سال‌های اخیر به شدت مهجور واقع شده و کمتر به عنوان ژانر غالب مورد انتخاب و علاقه کارگردانان قرار گرفته، در حالی که در معدود آثار ساخته شده با این محتوا، ذائقه مخاطب واکنش بسیار مناسبی داشته و از حیث محتوایی، ارتباط پاینده‌ای با این آثار برقرار کرده است.

نمونه‌هایش هم در سینمای خودمان کم نیستند؛ «هر شب تنهایی»، «شب» و «در انتظار معجزه» سه‌گانه‌ای هستند که رسول صدرعاملی با محوریت سیر و سلوک در دیار امام‌رضا(ع) روی پرده سینما برد. مجید مجیدی و کامبوزیا پرتوی نیز دغدغه‌های مشابهی داشته‌اند و البته اکبر صادقی پیش‌تر از تمامی این‌ها در سال ۷۴، «زائر غریب» را روی پرده برد و در زمان خودش نخستین نمونه‌ها از مفاهیم مذهبی با محوریت امام‌رضا(ع) را مقابل دیدگان مخاطب قرار داد و از قضا استقبال مناسبی هم از آن صورت گرفت.

اکنون شاهدیم شرایط تثبیت شده‌ای از حیث «جانمایی و سپس تکرار» مفاهیم مذهبی، کلامی و معناگرا در سینمای ایران دیده نمی‌شود و حتی در سینمای بدنه نیز این دغدغه‌ها جایگاه مطلوبی ندارد. سینمای جریان اصلی هم که قافیه را کاملاً به ژانر اجتماعی باخته و در مقابل این ژانر، به مرحله حیرت و شگفتی نیز رسیده است. سینمای دینی امروز بعضاً به تک جرقه‌ها و دال‌های شناور در میان سایر ژانرها بسنده کرده است.

ایراد کجاست؟ باید این مسئله را به مثابه یک کلان روایت و نه یک خرده روایت مورد تحلیل قرار داد. در واقع چرخه سینمایی، دچار نوعی سکته و سیکل حرکتی معیوب شده؛ هم سیاست‌گذار و هم سینماگر هر دو به یک منطق تن داده‌اند؛ «منطق گیشه و فروش»؛ کدام ژانر بهتر می‌فروشد و مخاطب چه سینمایی را بهتر می‌پسندد؟ مخاطب برای کدام فیلم بیشتر صف می‌کشد؟

در یک نگاه واقع‌بینانه شاید بتوان این استدلال را از سینماگر و تهیه‌کننده مورد قبول قرار داد که سینما باید روی پای خودش بایستد و چرخش را بچرخاند، اما جایگاه و نقش سیاست‌گذار در این مسئله چیست؟ حلقه مفقوده سینمای مذهبی و معناگرای سال‌های اخیر و رگه‌های کمرنگ این سینما در میان فیلم‌های جریان اصلی را باید در نگاه «سیاست‌گذار» جست‌وجو کرد.

سینمای مذهبی و معناگرا در تمام دنیا به عنوان یک ژانر جریان اصلی شناخته می‌شوند و سیاست‌گذاران سینمایی با تحلیل‌های عمیق از بطن جامعه، حرکت به سمت این سینما را به عنوان یک ابزار تربیتی و فرایندی در مسیر جامعه‌پذیری مذهبی و اجتماعی نگاه می‌کنند.

می‌توانید به تعداد فیلم‌هایی که غرب و هالیوود با نگاه خاص خود در مورد حضرت مسیح(ع) ساخته شده؛ نگاه کنید؛ هر چند در بسیاری از موارد با حقیقت و بطن زندگی و اندیشه عیسی‌مسیح فرسنگ‌ها فاصله دارد و دچار نوعی کژتابی است، اما سینما کار خودش را می‌کند؛ نوعی سیاست‌گذاری مشخص پشت آن وجود دارد که البته با صداقت فرسنگ‌ها فاصله دارد.

پرسش از سیاست‌گذار این است که چرا این ظرفیت نباید در سینمای داخلی مورد بهره قرار گیرد؟ چرا برای مثال در مورد زندگی ائمه(ع) آثاری انگشت‌شمار تولید شده است؟ علاوه بر این، دامنه سینمای مذهبی و معناگرا صرفاً محدود به پردازش به زندگی بزرگان دینی نمی‌شود، یعنی محدود به صدر اسلام نیست؛ متعددند مسائلی که می‌توان در این قالب مطرح کرد و به‌روز نیز بود و مخاطب هم داشت و حتی منطق گیشه را نیز توجیه کرد و کار تربیتی هم صورت داد و محتوای اخلاقی را نیز به صورت کانالیزه منتقل کرد. می‌توان فیلم‌های خوش‌ساختی همچون «طلا و مس» و یا«زیر نور ماه» را از یک بعد و «هر شب تنهایی» صدرعاملی و حتی مستند «رضای رضوان» مجید مجیدی را از بعدی دیگر، کاملاً در این رگه مورد تحلیل قرار داد.

به عنوان راهکار و سخن پایانی، باید دغدغه‌مندی «سیاست‌گذار» را نسبت به سینمای دینی و معناگرا افزایش داد. در واقع باید در سیاست‌گذاری‌های سینمایی به سمتی حرکت کرد که در سبد فیلم‌های سالانه تولید شده سینمای ایران، سهم قابل‌توجهی به این ژانر اختصاص پیدا کند. از قضا هم مخاطبان و هم داوران سینمایی بارها نشان داده‌اند به چنین آثاری اقبال نشان می‌دهند. قطعاً فیلم «شب» رسول صدرعاملی را به یاد دارید که با بازی خوب مرحوم انتظامی و امین حیایی همراه شد و در بیست و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر توانست عنوان سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد را برای امین حیایی در بخش سینمای ایران به ارمغان آورد.

بررسی دلایل فقر آثار سینمایی در حوزه رضوی در گفت‌وگو با کامبوزیا پرتوی، فیلم‌نامه‌نویس

حرم، دریایی از قصه‌های نگفته است

سیما و سینما/ زهره کهندل| سینمای ایران در سال‌های اخیر از کمبود فیلم‌های دینی رنج می‌برد. فیلم‌سازان به ویژه سینماگران دهه ۴۰ و ۵۰ بیش از امروز نگاه ویژه به ژانر تاریخی-مذهبی داشتند و در دهه ۷۰ شاهد فیلم‌های بیشتری در این حوزه بودیم که این روند تا اواخر دهه ۸۰ هم ادامه یافت. فیلم‌های سینمایی و تله‌فیلم‌هایی مرتبط با زیارت و حرم امام‌رضا(ع) همچون «هر شب تنهایی»، «شب»، «در انتظار معجزه» «دعوتنامه»، «بیا از گذشته حرف بزنیم»، «روز هشتم»، «زیارت»، «آواز نقاره‌ها»، «انتظار» و «من و تو» محصول همان سال‌هاست.

همزمان با دهه کرامت و در آستانه میلاد امام‌هشتم(ع) نگاهی به کارنامه سینمای ایران در سیره امام‌رضا(ع) داشتیم. با رجوع به فیلم‌های ساخته شده طی چهار دهه اخیر می‌بینیم تولیدات مرتبط با معارف رضوی و زائران امام‌رضا(ع) تا دهه ۸۰ کمابیش وجود داشته و پس از آن، اثر سینمایی قابل‌توجهی ساخته نشده است. درباره بررسی دلایل این کم‌کاری و فقر فیلم و فیلم‌نامه در حوزه رضوی با «کامبوزیا پرتوی» فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان خوشنام کشورمان که تاکنون چهار بار موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌نامه از جشنواره فیلم فجر شده است، گفت‌وگو کردیم. فیلم‌نامه «هر شب تنهایی» و «شب» نوشته اوست. مشروح گفت‌وگوی ما با آقای پرتوی را که این روزها مشغول به سرانجام رساندن آثار ناتمامش است، در ادامه بخوانید.

عکس: کامبوزیا پرتوی به همراه مادرش در کودکی / آرنه

◆ پس از سه گانه رسول صدرعاملی، در این ۱۰ سال فیلم سینمایی قابل‌توجهی درباره زائران امام‌رضا(ع) ساخته نشده است، آیا دلیل این کاستی، فقر فیلم‌نامه خوب در این حوزه است؟

بیش از همه آنچه اهمیت دارد این است که چقدر در این باره احساس نیاز می‌شود، چه از طرف مسئولان فرهنگی و چه از طرف مردم؟ ۱۰سال پیش نیاز به تولیداتی در حوزه معرفت زیارت، هم از سوی تلویزیون، هم از طرف آستان قدس و هم از طرف آقای صدرعاملی، احساس شد. به همین دلیل کار را به من سفارش دادند و شروع به نگارش فیلم‌نامه‌ها کردم. آن موقع نیازش احساس می‌شد و شاید امروز چنین نیازی احساس نمی‌شود. ضمن اینکه ورود به این موضوع‌ها بسیار حساس است، باید مشخص شود هدف از ساخت چنین آثاری چه از طرف سفارش‌دهنده و چه سفارش‌گیرنده، چیست؟ اگر این مسائل شفاف شود، مسیر تولید اثر هموارتر می‌شود. آیا هدف این است که میز مسئولان را تقویت کنیم یا به معرفت مردم بیفزاییم؟ تعیین‌تکلیف این اهداف در ابتدای کار بسیار مهم است، چون نتیجه کار را مشخص می‌کند. مهم است سفارش‌دهنده به ماجرا چه نگاهی دارد و قرار است قصه از چه زاویه‌ای مطرح شود.

◆ به نظر شما آثار دینی باید از مسیر سفارشی ساخته شوند یا فیلم‌سازی می‌تواند مستقل به این موضوعات بپردازد؟

معمولاً این آثار حتی اگر مستقل هم ساخته شوند، برداشت سفارشی‌بودن را همراه خودشان دارند. مشکل اینجاست، وگرنه بسیاری از هنرمندان با ایمان و باورشان، آثار دینی می‌سازند. باید دید خریدار این آثار چه کسانی هستند؟ من به عنوان فیلم‌نامه‌نویس حاضرم درباره امام‌رضا(ع) و زائران حضرت، فیلم‌نامه بنویسم، اما تهیه‌کننده‌ای برای ساخت چنین فیلم‌نامه‌ای پیشقدم نمی‌شود، بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه این فیلم‌نامه را به نهادهایی همچون آستان قدس رضوی بفروشم یا این نهادها به من سفارش کار بدهند. برای فیلم‌نامه‌هایی با موضوعات دینی و مذهبی، تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار شخصی پیدا نمی‌شود و همین موضوع، مانعی برای فیلم‌نامه‌نویس و فیلمساز است. در نهایت این فیلم‌نامه‌ها را باید به تلویزیون یا نهادهای فرهنگی متولی این حوزه ببرم که ساخته شوند. اکنون از طرف مسئولان و نهادهای فرهنگی برای ساخت چنین آثاری، خیلی احساس نیاز نمی‌شود که به منِ

برش

هالیوود سالانه چندین فیلم و سریال درباره مسیح یا مسیحیت می‌سازد که هدفشان مشخص است و سعی می‌کنند مهربانی دینشان را ترویج کنند. این نگاه را در بسیاری از فیلم‌هایی که توسط پیروان ادیان مختلف ساخته می‌شود، می‌توان دید. ما در این حوزه بسیار کم‌کاری کردیم

فیلم‌نامه‌نویس، سفارش کار بدهند. ضمن اینکه بهتر است هدف سفارش‌دهنده همان ابتدا مشخص شود که این اثر قرار است به ارتقای معرفتی مردم کمک کند و نویسنده باید در این راستا حرکت کند.

◆ ماجرای نگارش فیلم‌نامه‌های «هر شب تنهایی» و «شب» هم از یک سفارش شروع شد؟ شما چطور به قصه این فیلم‌ها رسیدید؟

ببینید من یک ایرانی مسلمانم و عشق به امام‌رضا(ع) از بچگی در من نهادینه شده است. این عشق و ایمان را در خانواده‌ام، اطرافیانم، دوستان و آشنایانم دیدم، بنابراین همیشه دنبال فرصتی بودم که به این عشق و ایمان بپردازم و این فرصت از سوی آقای صدرعاملی و تلویزیون به من داده شد. درباره یافتن سوژه‌ها هم با همفکری آقای صدرعاملی به این قصه‌ها رسیدیم. پیش از اینکه آقای صدرعاملی با من صحبت کند، از آقای اصغر فرهادی کمک خواسته بودند و ایشان هم قصه‌ها را به آقای صدرعاملی دادند، قرار بود که فیلم‌نامه‌اش را بنویسند، ولی چون درگیر کار دیگری شدند آقای صدرعاملی از من خواستند که وارد ماجرا شوم و فیلم‌نامه‌ها را بنویسم که پس از مدتی تحقیق، نگارش را انجام دادم. در واقع طرح‌های اصلی وجود داشت و من آن را تبدیل به فیلم‌نامه کردم.

◆ اگر به شما برای ساخت اثری مرتبط با امام‌رضا(ع) پیشنهاد شود، ایده و طرح خاصی برای پرداخت دارید؟

حرم پر از سوژه است، فقط کافی است در آن فضا قرار بگیرید و هدف سفارش‌دهنده هم روشن و شفاف باشد. مثلاً سریال «ده فرمان» ساخته کیشلوفسکی، سفارشی پشت آن نیست و تمایل کارگردان به این ماجرا موجب ساخت آن شده است. اینکه اگر قرار باشد به «ده فرمان» حضرت موسی در زمانه اکنون بپردازیم در چه موقعیت‌هایی قرار می‌گیریم و چگونه باید به آن پرداخته شود. خب از این منظر اگر قرار باشد به قصه «ضامن آهو» بپردازیم در شرایط امروزی چطور می‌توان به این ماجرا پرداخت و با چه دیدگاهی؟ این‌ها پرسش‌های اساسی است. قصه‌ها و ظرفیت‌های زیادی درباره حرم امام‌رضا(ع) و زائرانش وجود دارد که جای پرداخت و ساخت آثار سینمایی دارند. به یاد دارم پیش از ساخت فیلم‌های «شب» و «هر شب تنهایی»، یک شب با آقای صدرعاملی به حرم مشرف شدیم و تا صبح توی صحن‌ها قدم زدیم و صحبت کردیم که به دیدگاه‌های نزدیکی رسیدیم.

◆ فضای حرم به شما برای نوشتن فیلم‌نامه کمک کرد؟

بسیار زیاد. ما در حرم قدم می‌زدیم و به هر کسی در آن جمعیت انبوه نگاه می‌کردیم، قصه خودش را داشت، کافی بود که یک لحظه مکث کنید تا قصه‌ها پیدا شوند. طرحی که آقای فرهادی برای این فیلم‌ها داشت به من فرصتی داد تا لحظه‌ای در حرم مکث و این قصه‌ها را پیدا کنم. باید ایمان و باور زائرانی که به آنجا آمده‌اند را ببینیم و به آن‌ها بپردازیم. حضور در فضای حرم خیلی به من کمک کرد.

◆ چقدر جای خالی سینماگران در حرم مطهر احساس می‌شود، اینکه در حرم رضوی حضور پیدا کنند و قلاب ایده‌هایشان را وسط دریای قصه‌های مردم بیندازند؟

همین‌طور است. باید ببینیم چه نهادی یا شخصی این فرصت را برای سینماگران به وجود می‌آورد. برای من و آقای صدرعاملی این فرصت از سوی تلویزیون و آستان قدس رضوی ایجاد شد. نهادهای مسئول باید پای کار بیایند و از سینماگران حمایت کنند.

◆ چقدر نهادهای سفارش‌دهنده، تعامل و زبان مفاهمه برای رسیدن به یک اثر هنری را در موضوعات سفارشی دارند و دست سینماگر را برای پرداخت هنری باز می‌گذارند؟

وقتی هدف سفارش‌دهنده برای فیلم‌نامه‌نویس یا فیلمساز مشخص باشد، مسیر شفاف می‌شود. وقتی چارچوب‌ها مشخص شود، کار راحت‌تر می‌شود. وقتی هدف سفارش‌دهنده ترویج مهربانی در جامعه باشد، فیلم‌نامه‌نویس می‌داند چطور این هدف را در اثرش به بار بنشاند. یادآوری انسانیت و مهربانی در اکثر آثار دینی و مذهبی وجود دارد، چون نیاز امروز بشریت است. هالیوود سالانه چندین فیلم و سریال درباره مسیح یا مسیحیت می‌سازد که هدفشان مشخص است و سعی می‌کنند مهربانی دینشان را ترویج کنند. این نگاه را در بسیاری از فیلم‌هایی که توسط پیروان ادیان مختلف ساخته می‌شود، می‌توان دید. ما در این حوزه بسیار کم‌کاری کردیم و شاید اولین کاری که در این باره ساختیم، فیلم «محمد» ساخته آقای مجیدی باشد که کودکی پیامبر مهر و رحمت را به تصویر کشیده است.

◆ امیدواریم کار جدیدی از شما مرتبط با معارف رضوی ساخته شود و بار دیگر نام شما را در کنار یکی از کارگردان‌های خوب سینمای ایران ببینیم؟

امیدوارم نیازش احساس شود، اگر چنین شود حتماً کار جدید ساخته می‌شود، ضمن اینکه آدم‌های بهتر از من هم برای نوشتن وجود دارند. یک زمانی بنیاد فارابی این احساس نیاز را کرد که باید اثری در این‌باره ساخته شود. فیلم‌سازان را جمع کرد و به آن‌ها سفارش کار داد، دیدیم که همه با عشق و علاقه، فیلم‌هایی در این باره ساختند و آثاری که امروز وجود دارد، مربوط به همین تصمیم درست است. امیدوارم دوباره این حرکت‌ها آغاز شود.

گزارش

نگاهی به آثار سینمایی با محوریت امام رضا (ع) و زیارت (۲)

معجزه‌ای «به آهستگی» در «هر شب تنهایی»

سیما و سینما: با نگاهی به تاریخ سینمایی ایران می‌توان از دهه ۷۰ و ۸۰ به عنوان دو دهه که به آثار مذهبی توجه بیشتری شده است، نام برد. در این میان دهه ۸۰ سینماگران احتمالاً به دلیل توجه مدیران سینمایی و مسئولان فرهنگی، نگاه ویژه‌تری به آثاری با محوریت امام‌هشتم(ع) و زیارت داشته‌اند. با نگاهی به کارنامه مذهبی سینمای ایران نام کارگردان‌های مطرحی از جمله رسول صدرعاملی، مجید مجیدی، حمید نعمت‌الله، مهدی کرم‌پور و ... دیده می‌شود که صدرعاملی پیشرو آن‌هاست. همچنین در بین بازیگران می‌توان به افرادی چون عزت‌الله انتظامی، خسرو شکیبایی، حامد بهداد، لیلا حاتمی و امین‌حیایی اشاره کرد.

آنچه در مرور این آثار بیش از همه به چشم می‌آید این است که اکثر این فیلم‌ها در سال‌های دور تولید شده‌اند و در سال‌های اخیر نگاه‌های سینمایی در تولید این‌گونه فیلم‌ها رو به افول رفته است. این در حالی است که محبت امام‌رضا(ع) در روح و جان مردم کشورمان تنیده شده است و این امام بزرگوار در سبک زندگی مردم ایران حضور پررنگی دارند. این حضور که می‌توانست منبع خوبی برای ساخت آثار فرهنگی و هنری و به‌خصوص نمایشی باشد، بسیار کمرنگ بوده است تا حدی که تنها یک سریال تاکنون از زندگی این امام‌همام به شکل تصویری ساخته شده است. در بخش دوم این گزارش نگاهی اجمالی به دیگر آثار تولید شده در این زمینه می‌اندازیم.

«هر شب تنهایی» یک عاشقانه آرام

«هر شب تنهایی» یکی از آثار رسول صدرعاملی است که در سال ۱۳۸۶ بر پرده سینماهای کشور قرار گرفت. این فیلم تنها دو بازیگر اصلی دارد؛ لیلا حاتمی و حامد بهداد. فیلم «هر شب تنهایی» را می‌توان فیلمی مذهبی دانست که با بسیاری از آثار مذهبی تفاوت دارد. نقطه قوت فیلم نخست، بازی روان و یکدست دو بازیگر محوری‌اش است و دوم، قاب‌های زیبا و چشمنواز «فرج حیدری» از فضای داخل حرم.

عادت کرده‌ایم که فیلم‌های دینی را با حضور نابازیگران ببینیم، اما در «هر شب تنهایی»، رسول صدرعاملی این کلیشه را می‌شکند و دو بازیگر ستاره (لیلا حاتمی و حامد بهداد) را جلو دوربین می‌برد و بازی‌های جذابی از آن‌ها می‌گیرد.

«هر شب تنهایی» خط سیر عاشقانه‌ای دارد. عطیه، نویسنده و مجری یک برنامه خانوادگی رادیو است. او هر روز به پرسش‌های شنوندگان این برنامه پاسخ می‌دهد و به آن‌ها توصیه می‌کند با همسرشان چگونه رفتار کنند تا زندگی زناشویی بهتری داشته باشند. عطیه به شهر مقدس مشهد آمده است، اما او درگیر مناسبات خود و همسرش است و مشکلی دارد که حل‌نشدنی است و لوکیشن اصلی این فیلم سینمایی، مشهد مقدس و صحن آستان قدس رضوی است که لیلا حاتمی و حامد بهداد به عنوان یک زوج فرهنگی در مقابل یکدیگر بازی می‌کنند. این فیلم سینمایی را کامبوزیا پرتوی به نگارش درآورد و تهیه‌کنندگی آن را سیدکمال طباطبایی برعهده داشت.

«شب» با حضور دو بازیگر پیشکسوت

فیلم سینمایی «شب» نیز مانند فیلم سینمایی «هر شب تنهایی» اثری از رسول صدرعاملی است که نگارش آن را کامبوزیا پرتوی برعهده داشت. «شب» از جمله آثار سینمایی رسول صدرعاملی است که توانست در بیست‌وششمین دوره از جشنواره فیلم فجر عنوان بهترین بازیگر مرد را نصیب امین حیایی کند. همچنین این فیلم سینمایی جایزه بهترین فیلم را در جشنواره مذهب ایتالیا کسب کرده است. یکی‌دیگر از جذابیت‌های این اثر حضور همزمان زنده‌یاد عزت‌الله انتظامی و خسرو شکیبایی در این اثر بود. داستان از این قرار است که گروهبان برای تحویل دادن مجرمی سابقه‌دار به زندان یکی از شهرستان‌ها، مجبور می‌شود به همراه مجرم و دستبند، شبی را در مشهد بگذراند و... .

«در انتظار معجزه» با قهر

«در انتظار معجزه» فیلمی به کارگردانی رسول صدرعاملی محصول سال ۱۳۸۸ است. این فیلم داستان زن و شوهری را روایت می‌کند که در اوج اختلافات خانوادگی، همراه دختر چهار ساله بیمار خود برای زیارت امام‌رضا(ع) عازم مشهد می‌شوند و این سفر سرآغاز تحولاتی در زندگی آن‌ها می‌شود. در این فیلم حمید فرخ‌نژاد و پریوش نظریه نقش‌های اصلی را بازی می‌کنند.

«دو چشم بی‌سو»

این فیلم در سال ۱۳۶۲ از نخستین آثار سینمایی پس از انقلاب است که به این موضوع می‌پردازد. مشهدی‌ایمان عشق رفتن به جبهه را در سر دارد، برای همین بدهکاری‌هایش را تسویه می‌کند، دخترش را به خانه بخت می‌فرستد و فرزند نابینایش را از روستا به بیمارستانی در تهران می‌برد، ولی دامادش و پسرش زودتر از او به جبهه می‌روند و با شهادت داماد و مجروح شدن پسرش و همین‌طور برای کمک به خانواده‌های بی‌سرپرست روستا، مشهدی‌ایمان در روستا ماندگار می‌شود، ولی برای اینکه مشکلات رفتن به جبهه از سر راهش برداشته شود، به امام‌رضا(ع) پناه می‌برد و همان جاست که شفای فرزندش را می‌گیرد.

محمد کاسبی و مجید مجیدی، بازیگران اصلی این فیلم به کارگردانی محسن مخملباف هستند.

«کیمیا» از خودگذشتگی زیر سایه امام هشتم (ع)

«کیمیا» به کارگردانی احمدرضا درویش که در سال ۱۳۷۳ ساخته شد، بخش‌هایی از داستانش در مشهد روایت می‌شود.

در آغاز جنگ تحمیلی، همسر رضا باردار است و باید مورد عمل جراحی قرار گیرد. رضا او را به بیمارستان می‌رساند و خود به اسارت قوای دشمن درمی‌آید. همسر رضا حین عمل جراحی می‌میرد و شکوه جراح، فرزند رضا را نجات می‌دهد. پس از گذشت ۹ سال وقتی رضا از اسارت آزاد می‌شود پی می‌برد که همه اعضای خانواده‌اش را از دست داده است. حال او در جست‌وجوی تنها بازمانده خود، فرزندش است. کیمیا، فرزند رضا نزد «شکوه» در مشهد زندگی می‌کند. مشکل اینجاست که «شکوه» به طور کامل به کیمیا وابسته است. در انتها رضا از حق خود می‌گذرد و کیمیا را از شکوه جدا نمی‌کند.

خسرو شکیبایی، بیتا فرهی و رضا کیانیان، نقش‌های اصلی این فیلم را بازی می‌کنند.

«به آهستگی» زائری که مجاور می‌شود

«به آهستگی» ساخته مازیار میری در سال ۱۳۸۴ که با تصویر حرم مطهر امام‌رضا(ع) به پایان می‌رسد، با بازی محمدرضا فروتن، نیلوفر خوش‌خلق، مریم بوبانی و حسن پورشیرازی، درباره محمود کارگر، جوشکار ساده راه‌آهن است که دور از خانواده در جنوب کار می‌کند. به او خبر می‌رسد زنش پری که دچار بیماری عصبی است، مدتی است از خانه رفته و فرزندش را پیش مادر و پدر محمود گذاشته است. محمود با وجود سخت‌گیری‌های کارفرمایش، به خانه‌اش در کرج برمی‌گردد و سعی می‌کند زنش را پیدا کند. از زن صاحبخانه و نجار همسایه و اقوام پری و پدر و مادر خودش سراغ زنش را می‌گیرد، اما هیچ‌کس از او خبری ندارد. همسایه نجارش، او را راهنمایی می‌کند تا به پزشکی‌قانونی سر بزند.

محمود پس از چند روز جنازه زنی با مشخصات پری را می‌یابد و او را در مراسمی به خاک می‌سپارد. پس از مدتی، قصاب محل خبر می‌آورد که پری را در مشهد دیده و رد او را یافته است. در این فاصله محمود کارش را از دست می‌دهد و از سوی همه نزدیکانش طرد می‌شود. بازرسی که مأمور پیگیری ماجرا شده، به تدریج کنار می‌کشد و شبی که محمود در حال نماز خواندن است، پری سر می‌رسد. محمود او را با پرسش‌های زیادی روبه‌رو می‌کند و پری درباره سفرش به مشهد توضیحاتی می‌دهد (که در آنجا با یک استاد دانشگاه آشنا شده و او پری را پناه داده است). پری اعتراف می‌کند در مشهد حالش خوب بوده و دیگر احساس بیماری نمی‌کرده است. به همین دلیل آن‌ها پس از گذشت زمان، هنگامی که محمود پی به پاکی همسرش برده و سوءتفاهم‌ها و دروغ‌های اطرافیان رفع می‌شود، به مشهد نقل‌مکان می‌کنند.

در ادامه می‌توان به تله‌فیلم «انتظار» به کارگردانی اصغر هاشمی و تله‌فیلم «من و تو» ساخته زنده‌یاد پیام صابری اشاره کرد. همچنین مجید مجیدی مستند «رضای رضوان» را با موضوع زیارت در کارنامه خود دارد. از آثار سینمایی پیش از انقلاب هم به فیلم «قیصر» ساخته مسعود کیمیایی می‌توان اشاره کرد. «بردن ننه مشهدی به مشهد» قولی بود که قیصر به ننه‌مشهدی داده بود و از آن به عنوان تنها کارش در دنیا یاد می‌کرد. در این فیلم شاهد حضور «قیصر» با بازی بهروز وثوقی در حرم امام‌رضا(ع) و راز و نیازش با خدا هستیم.